

در شرق و غرب جهان گسترده شده و فلاح و تجارت و صنایع و هنر پیشرفت کرده، به تفصیل سخن گفته است، اما در عین حال زیانهای اخلاقی و اجتماعی این نظامها را فراموش نکرده و ضمن تاختن به حکومت‌های مطلقه، نقش اساسی مردم را یادآور شده است، چنانکه دربارهٔ دورهٔ پایانی هخامنشیان می‌نویسد: «رعایا عموماً از وضع حکومت ناخشنود و به استیلاي اجانب راضی شده بودند» و به علت ستمها و اجحافها «دولتی تازه و شاهی نو می‌خواستند که از دست آن فلاکت و اسارت برهند». در سقوط دولت ساسانیان عوامل داخلی چون استبداد حکومتی، اختلاف‌های ملی، کشمکش‌های سیاسی، تباهی اخلاقی، جهل و تعصب و انحطاط روحانیت زردشتی و رواج موهومات و خرافات، و عوامل خارجی چون جنگ‌های ایران و روم، بروز تفرقه، ورود اندیشه‌ها و مذاهب جدید و جز اینها را بازشناخته است. در دادگری انوشیروان تردید کرده می‌نویسد: «آن طور که ایرانیان در عدالت‌پروری و دادگستری او مبالغه می‌کنند، خلاف واقع و اغراق‌آمیز است». ناتوانی دو امپراتوری ایران و روم را به علت جنگ‌های طولانی و اوضاع زمان را با توجه به ظهور دیانت مقدس اسلام به درستی بیان کرده است: پیامبر ختمی‌مآب در جزیرهٔ عربی درفش اسلام را برافراشته و نفوذ کلمهٔ حقه مثل رعد به دو درخت سالخوردهٔ روم و ایران که مانند چنار کهنسال مستعد سوختن بودند زده، آن را شعله‌ور ساخت، زیرا این جنگ‌های متوالی از زمان قباد تا پرویز، دیگر رمقی برای دو دولت بر جای نگذاشته بود.

چاپ آیینة سکندری و انتشار آن به علت کشمکش مشروطه‌خواهان و مستبدان، ۲ سال طول کشید. در آخرین صفحهٔ کتاب به جای زین‌العابدین مترجم‌الملک، که آغازکنندهٔ چاپ کتاب بوده، نام میرزا حسن خان تفرشی ملقب به منطق‌الملک آمده است. وی اشاره می‌کند که تا سقوط قطعی محمد علی شاه از سلطنت، کتاب مزبور انتشار نیافته با اینکه یک جا تاریخ انتشار آن ۱۹ ذیحجهٔ ۱۳۲۶ ق/ ۱۲ ژانویهٔ ۱۹۰۹ م یاد شده است.

مأخذ: آدمیت، فریدون، اندیشه‌های میرزا آقاخان کرمانی، تهران ۱۳۵۷ش؛ آرین‌پور، یحیی، از صبا تا نیما، تهران، ۱۳۵۱ش؛ ۳۹۱/۱؛ آقاخان کرمانی، عبدالحسین، آیینة سکندری، به کوشش جهانگیر صور اسرافیل، تهران، ۱۳۲۴ - ۱۳۲۶ ق، صص ۲۳، ۲۴، ۲۲، ۲۳، ۲۴، ۲۵، ۱۵۴، ۳۵۷، ۵۱۷، ۵۲۲، ۵۲۴، ۵۶۶، ۵۷۹؛ بهار، محمدتقی، سبک‌شناسی، تهران، ۱۳۵۵ش؛ ۳۷۳/۳؛ دولت‌آبادی، یحیی، حیات یحیی، تهران، ۱۳۶۲ش، ۱۶۰/۱.

آیینة شاهی، کتابی فلسفی و اخلاقی به زبان فارسی نوشتهٔ محمد بن مرتضی، معروف به ملامحسن فیض‌کاشانی (۱۰۰۸-۱۰۹۱ ق/ ۱۵۹۹ - ۱۶۸۰). دانشمند بزرگ شیعی ایرانی و معاصر با شاه عباس دوم صفوی (۱۰۵۲ - ۱۰۷۷ ق/ ۱۶۴۲ - ۱۶۶۶ م).

این کتاب، ترجمهٔ گزیده‌ای از اثر دیگر همین مؤلف به نام

در تحلیل خود از تاریخ کهن ایران زمین، از دانش‌های باستان‌شناسی، زبان‌شناسی، انسان‌شناسی فرهنگی و اجتماعی در حد امکانات آن زمان سود جسته، و مؤلفات گذشتگان، اعم از مورخان یونانی و اسلامی را بررسی کرده و در پژوهش‌های خود از آثار خاورشناسان و تاریخ‌شناسان مغرب زمین مانند ریچاردسون، گیون، مونتسکیو و سر جان ملکم نیز متأثر شده است. یافته‌های نوین باستان‌شناسی و دیگر رشته‌های تاریخی و اجتماعی، بسیاری از تحلیل‌ها و برداشت‌های کتاب را دگرگون کرده است، اما با توجه به زمان تألیف، اهمیت آیینة سکندری را نباید از نظر دور داشت و پاره‌ای خطاهای زبان‌شناسی کتاب، از قبیل دعوی همسانی واژهٔ «تاریخ» و «تاریک» و جز آن، نباید به ارزش آن از دیدگاه فن تاریخ‌نویسی خدشه وارد سازد. آیینة سکندری در زمرهٔ نخستین کتابهایی است که برای جویندگان روشنفکر نوشته شده و مؤلف آن معتقد است که بدایت هر کاری هیچ وقت خالی از عیب و نقص نبوده و حصول ترقی دائماً به تلاحق افکار محتاج است و آرزومند است که آیندگان اثرهای پیشرفته‌تری فراهم آورند. وی به گفتهٔ خود جز کشف حقیقت و بیان واقع و نفس‌الامر مقصودی نداشته است و از این رو می‌گوید «عجم زنده کردم بدین راستی». وی مورخان درباری را انتقاد کرده است که از خاقان گیتی‌ستان (فتحعلی شاه) سخن می‌گویند در حالی که از فرط سستی او نیمی از کشور به تاراج رفته و یا از سلطان ملایک سپاه گفت‌وگو می‌کنند، حال آنکه از کثرت بدرفتاری، شیطان از او روی گردان است. وی از اینکه این گونه تألیفات، بر فضایل و حقوق مردم سرپوش نهاده و اوضاع مملکت را در طاق نسیان هشته‌اند، متأسف است. تاریخ را افسانه و اسرار نمی‌داند و آنچه را که اروپاییان فهرست وقایع می‌نامند، تاریخ نمی‌شمارد. وقایع تاریخی را به سرنوشت حواله نمی‌دهد و برای تاریخ قانونی قائل است که وی خود به آن «حکمت تاریخی» نام داده است و بر آن است که با دلایل تاریخی می‌توان رشد و انحطاط جامعه‌ها را بازشناخت. به گفتهٔ آقاخان تاریخ بحث می‌کند از «اطوار و حرکات مردمان نامی و ترقی و تنزل ملل مختلفهٔ دنیا در هر عصر و ظهور شوکتهای بشریه در هر زمان و تحقیق و تفتیش عادات و اخلاق و موجبات انحطاط و انقراض دولتها و هر چه از وقایع عبرت‌بخشای اعصار خالیه درخور و شایان تذکار باشد». سقوط ملتها را همچون کسانی که به گونه‌ای از جبریت تاریخی<sup>۱</sup> معتقدند، حتمی نمی‌داند بلکه آن را نتیجهٔ پاره‌ای بواعث عارضی می‌شناسد که با تصمیم‌گیری انسان اصلاح‌پذیر است. این مسأله در اثر دیگر وی، صد خطابه، بیش‌تر بررسی شده است. در تحلیل سلسله‌های سلطنتی ایران، آقاخان به هخامنشیان به ویژه به شخصیت کورش شیفتگی نشان داده و از مورخان یونانی در این باره اقوالی نقل کرده است و از اشکانیان و نقش آنان در پاسداری از فرهنگ ایران در برابر یونانیان و پایداری آنان در جنگ‌های سهمگین با رومیان تجلیل کرده است. از ساسانیان که ایران در زمان آنان «روشنی مخصوص» یافته و قدرت سیاسی کشور

ضیاء القلب است که به عربی نوشته شده است (مرعشی، ۱۰۲/۱). موضوع کتاب، شناختن نفس ناطقه انسانی است و توضیح پنج حاکمی که بر آن تسلط دارند یعنی: عقل، طبع، شریع، عرف و عادت. فیض این کتاب را در ۱۰۶۶ ق/ ۱۶۵۶م در یک مقدمه و ۱۲ فصل، برای شاه عباس دوم نوشته است. بدین شرح: شناختن عقل، شناختن شریع، شناختن طبع، شناختن عادت، شناختن عرف، شناختن نفسی انسانی که فرمانبر این پنج است، شناختن مراتب حکام پنجگانه، حکمت تسلط این حاکمان بر نفس آدمی، اگر این «پنج حاکم» با یکدیگر سازگار نباشند. کدام یک از آنها برتر و شریف تر است، در صورت مشتبه شدن چگونه می توان آنها را از یکدیگر تمیز داد، برخی از نعمتهای الهی که در این تمیز و تشخیص ما را مدد می رسانند و چگونه می توان از خدایاری جست؟ (آقا بزرگ، ۵۳/۱).

آیینة شاهی در ۱۳۲۰ ش همراه با رساله ترجمه الصلوة و الفت نامه مؤلف در شیراز به چاپ رسیده است (مشکوة، ۶۴۱/۳). نسخه های خطی آن به فراوانی در کتابخانه های ایران یافت می شود. مأخذ: آقا بزرگ، الذریعة، ۱۲۷/۱۵؛ مدرس، محمد علی، ریحانة الادب، تبریز، ۱۳۴۶ ش، ۳۷۲/۲؛ مرعشی، خطی، ۱۰۲/۱؛ مرکزی، خطی، ۳۳۹۶/۱۳؛ مشار، جایی فارسی، ۲۲/۱؛ مشکوة، خطی؛ ملک، خطی، ۴/۲؛ ۷؛ ملی، خطی، ۵۹۶/۶؛ منزوی، خطی، ۱۵۱۷/۲. صمد مؤخذ

آیینة عباسی، کتابی کلامی در ردّ بر یهود و نصارا به زبان فارسی، نوشته ابو احمد محمد بن عبدالنّبی بن عبدالصّانع محدث اخباری نیشابوری معروف به میرزا محمد اخباری (۱۱۷۸ - ۱۲۳۲ ق/

۱۷۶۴ - ۱۸۱۶ م). نام کامل کتاب، آیینة عباسی در نمایش حق شناسی است که به عنوان «امالی العباسی» یا «امالیة العباسی فی رد علی التصاری» نیز یاد شده (خوانساری، ۱۲۸/۷؛ آقا بزرگ، ۳۱۸/۲) و به اشاره عباس میرزا، ولیعهد فتحعلی شاه، در پاسخ ایرادهای پادری (= پدر روحانی، عنوانی که به شیوخ و علماء نصارا داده می شد) نوشته شده است. نگارش این کتاب در ۲۸ جمادی الثانی ۱۲۳۰ ق/ ۷ ژوئن ۱۸۱۵ م در کاظمین آغاز شده و در ۳ شعبان همان سال (۱۱ ژوئیه ۱۸۱۵ م) به پایان رسیده است.

آیینة عباسی در ۵ فصل، با مقدمه و مؤخره ای بدین ترتیب تصنیف شده است: مقدمه، در تصوّر مطلب؛ فصل اول، در یهود؛ فصل دوم، رد نصارا؛ فصل سوم، در دو قسمت، قسمت اول، در عدم اختصاص نبوت به حضرت عیسی؛ قسمت دوم، در باب بشارت آن حضرت به پیامبری رسول اکرم. فصل چهارم، در مذاهب مجوس و فرقه های آن؛ فصل پنجم، در حقیقت اسلام و اثبات نبوت خاصه. شیوه نگارش کتاب همانند بیش تر ردیه ها، به صورت پرسش و پاسخ و با لحن جدلی است. نسخه های خطی این کتاب در کتابخانه آستان قدس و کتابخانه آیت الله مرعشی موجود است. خانابایا مشار چاپ شدن این کتاب را یادآور شده، ولی به سال و جای چاپ آن اشاره ای نکرده است.

مأخذ: آقا بزرگ، الذریعة، ۵۳/۱، ۳۱۸/۲؛ خوانساری، محمد باقر، روضات الجنات، قم، ۱۳۹۲ ق/ ۱۲۷/۷ - ۱۴۴؛ مرعشی، خطی، ۱۰۲/۱، ۲۹۳/۱۰ - ۲۹۴؛ مرکزی، خطی، ۲۴۲۳/۱۱ - ۲۴۲۴؛ مشار، جایی فارسی، ص ۲۱؛ مشهد، ۲؛ خطی، ص ۵۶۶؛ منزوی، خطی، ۸۶۹/۲. بخش ادیان و مذاهب

این کتاب در فهرست کتابخانه آستان قدس و فهرست کتابخانه آیت الله مرعشی موجود است. در فهرست کتابخانه آستان قدس در شماره ۱۳۹۲ ق/ ۱۲۷/۷ - ۱۴۴؛ مرعشی، خطی، ۱۰۲/۱، ۲۹۳/۱۰ - ۲۹۴؛ مرکزی، خطی، ۲۴۲۳/۱۱ - ۲۴۲۴؛ مشار، جایی فارسی، ص ۲۱؛ مشهد، ۲؛ خطی، ص ۵۶۶؛ منزوی، خطی، ۸۶۹/۲. بخش ادیان و مذاهب

\* \* \*  
در این کتاب به بیان عقاید یهود و نصارا پرداخته شده و در رد آنها کوشش شده است. در این کتاب به بیان عقاید مجوس و فرقه های آنها پرداخته شده است. در این کتاب به بیان عقاید شیعیان پرداخته شده است. در این کتاب به بیان عقاید اهل بیت پرداخته شده است. در این کتاب به بیان عقاید امامزادگان پرداخته شده است. در این کتاب به بیان عقاید شیخیه پرداخته شده است. در این کتاب به بیان عقاید متهولان پرداخته شده است. در این کتاب به بیان عقاید کتبی پرداخته شده است. در این کتاب به بیان عقاید صوفیانه پرداخته شده است. در این کتاب به بیان عقاید فقهی پرداخته شده است. در این کتاب به بیان عقاید فلسفی پرداخته شده است. در این کتاب به بیان عقاید علمی پرداخته شده است. در این کتاب به بیان عقاید اخلاقی پرداخته شده است. در این کتاب به بیان عقاید تربیتی پرداخته شده است. در این کتاب به بیان عقاید اجتماعی پرداخته شده است. در این کتاب به بیان عقاید سیاسی پرداخته شده است. در این کتاب به بیان عقاید اقتصادی پرداخته شده است. در این کتاب به بیان عقاید فرهنگی پرداخته شده است. در این کتاب به بیان عقاید هنری پرداخته شده است. در این کتاب به بیان عقاید ادبی پرداخته شده است. در این کتاب به بیان عقاید تاریخی پرداخته شده است. در این کتاب به بیان عقاید جغرافیایی پرداخته شده است. در این کتاب به بیان عقاید طبیعی پرداخته شده است. در این کتاب به بیان عقاید ریاضی پرداخته شده است. در این کتاب به بیان عقاید نجومی پرداخته شده است. در این کتاب به بیان عقاید کیهانی پرداخته شده است. در این کتاب به بیان عقاید الهی پرداخته شده است. در این کتاب به بیان عقاید دینی پرداخته شده است. در این کتاب به بیان عقاید اخلاقی پرداخته شده است. در این کتاب به بیان عقاید تربیتی پرداخته شده است. در این کتاب به بیان عقاید اجتماعی پرداخته شده است. در این کتاب به بیان عقاید سیاسی پرداخته شده است. در این کتاب به بیان عقاید اقتصادی پرداخته شده است. در این کتاب به بیان عقاید فرهنگی پرداخته شده است. در این کتاب به بیان عقاید هنری پرداخته شده است. در این کتاب به بیان عقاید ادبی پرداخته شده است. در این کتاب به بیان عقاید تاریخی پرداخته شده است. در این کتاب به بیان عقاید جغرافیایی پرداخته شده است. در این کتاب به بیان عقاید طبیعی پرداخته شده است. در این کتاب به بیان عقاید ریاضی پرداخته شده است. در این کتاب به بیان عقاید نجومی پرداخته شده است. در این کتاب به بیان عقاید کیهانی پرداخته شده است. در این کتاب به بیان عقاید الهی پرداخته شده است. در این کتاب به بیان عقاید دینی پرداخته شده است.

در این کتاب به بیان عقاید یهود و نصارا پرداخته شده و در رد آنها کوشش شده است. در این کتاب به بیان عقاید مجوس و فرقه های آنها پرداخته شده است. در این کتاب به بیان عقاید شیعیان پرداخته شده است. در این کتاب به بیان عقاید اهل بیت پرداخته شده است. در این کتاب به بیان عقاید امامزادگان پرداخته شده است. در این کتاب به بیان عقاید شیخیه پرداخته شده است. در این کتاب به بیان عقاید متهولان پرداخته شده است. در این کتاب به بیان عقاید کتبی پرداخته شده است. در این کتاب به بیان عقاید صوفیانه پرداخته شده است. در این کتاب به بیان عقاید فقهی پرداخته شده است. در این کتاب به بیان عقاید فلسفی پرداخته شده است. در این کتاب به بیان عقاید علمی پرداخته شده است. در این کتاب به بیان عقاید اخلاقی پرداخته شده است. در این کتاب به بیان عقاید تربیتی پرداخته شده است. در این کتاب به بیان عقاید اجتماعی پرداخته شده است. در این کتاب به بیان عقاید سیاسی پرداخته شده است. در این کتاب به بیان عقاید اقتصادی پرداخته شده است. در این کتاب به بیان عقاید فرهنگی پرداخته شده است. در این کتاب به بیان عقاید هنری پرداخته شده است. در این کتاب به بیان عقاید ادبی پرداخته شده است. در این کتاب به بیان عقاید تاریخی پرداخته شده است. در این کتاب به بیان عقاید جغرافیایی پرداخته شده است. در این کتاب به بیان عقاید طبیعی پرداخته شده است. در این کتاب به بیان عقاید ریاضی پرداخته شده است. در این کتاب به بیان عقاید نجومی پرداخته شده است. در این کتاب به بیان عقاید کیهانی پرداخته شده است. در این کتاب به بیان عقاید الهی پرداخته شده است. در این کتاب به بیان عقاید دینی پرداخته شده است.